

سخن مدیرمسئول

به کجا چنین شتابان؟

< سیدمحمدعلی گلابزاده
مدیرمسئول



یافت، شیرینی کام نوازی که شهره خاص و عام است و هنوز فرزندان و نوه‌ها و نبیره‌ها و ده‌ها نفر دیگر از پرتو آن صداقت و پاکی و خداجویی، روزی می‌خورند.

حالا این بزرگ‌مرد و نمونه‌هایی همچون او را کنار کسانی بگذارید که تمام هنرشان ایجاد آشفته‌نگی در بازار و مخدوش کردن فضای کسب‌وکار است. همین چند روز پیش با فروشندگانی که باهم دوستی داریم و معمولاً سخنش با من صادقانه است، صحبت می‌کردم می‌گفت: وضعیت برای ما خیلی هم بد نیست، چون در این آشفته‌بازار کالاهای خود را به هر قیمتی که بخواهیم می‌فروشیم، آن‌گونه که هرچه قیمت بالا برود باز برای خرید کلی مشکلی نداشته باشیم. بر این گروه بیفزاییم آن‌هایی را که با فروش خانه و اتومبیل و بیرون کشیدن موجودی‌های خود از بانک‌ها به خرید ارز روی آوردند و در فرصتی کوتاه هزاران میلیارد دلار ارز را از چرخه تولید خارج کردند و به خانه‌ها روانه ساختند و بخش عمده‌ای از دشواری‌های موجود را رقم زدند، حالا چه تعداد از آن‌ها در هرروز با بالا و پایین رفتن قیمت ارز، جان به جان‌آفرین تسلیم می‌کنند، بماند. به‌راستی کدام دولت با چنین افکار و رفتار ناشایستی می‌تواند سامان‌بخش امور کسب‌وکار در تنگنای محاصره اقتصادی باشد؟ باور ندارید که اگر همه‌ی ما «کرمانی» گونه می‌اندیشیدیم، عمل می‌کردیم و بهره‌فردی را در عزت جمعی جستجو می‌کردیم، وضعیتمان بسیار بهتر از این بود؟

از یاد نبریم که چشم جهانی به ما دوخته‌شده است، دشمنان در این آرزو که به جشن پیروزی چهل‌سالگی انقلاب اسلامی نرسیم و دوستان در این امید که پرچم پرافتخارمان همچنان بر ستیغ بلند استقامت استوار بماند. به کدام یک پاسخ‌خواهیم داد؟

وقتی سخن از فضای کسب‌وکار پیش می‌آید، دو تصویر متفاوت در ذهن نقش می‌بندد، یکی تصویر انسان‌هایی دانا، صادق و خداجو که زندگی را جز در رهگذر کسب‌وکار حلال نمی‌جستند و حضورشان در پهنه کسب‌وکار، مایه عزت و بزرگی جامعه بود؛ اما تصویر دوم به انسان‌هایی تعلق دارد که راه درست زیستن را فراموش کرده و به بی‌راهه می‌روند. اینان رهروانی هستند که آسیب هر جامعه‌ای به شمار می‌روند و وجودشان زمینه‌ساز سرافکندگی، دشواری و ناملایمات است. نمونه رهروان صادق کسب‌وکار که هر جامعه‌ای به وجود آن‌ها می‌نازد، «آقا سید مهدی کرمانی» است هم او که امروز گز معروفش (گز کرمانی) کام جهانی را شیرین کرده است.

او در روزگار قاجار و با شیوع بیماری طاعون، کرمان را به مقصد اصفهان ترک کرد و به تجارت پنبه مشغول شد، در آن زمان محصول برتر رفسنجان، پنبه بود که طرف‌های قرارداد برایش می‌فرستادند و او مقداری از آن‌ها را به هندوستان صادر می‌کرد. در یک مورد متوجه شد مبلغ ارسالی از هند بیش از طلب اوست آقا سید مهدی این مبلغ را برگرداند و از طرف هندی توضیح خواست، در پاسخ گفته شد که چون قیمت پنبه بالا رفته و در مسیر فروش این محصول بهره بیشتری نصیب ما شده، حق شما را نیز لحاظ کرده و فرستاده‌ایم. سید مهدی در جواب نوشت آنچه من خریدم و سودی که برای آن در نظر گرفتم فلان مبلغ بوده و بیشتر از آن بر من حرام است، همین مسئله موجب شد تا طرف‌های هندی به‌پاس آن‌همه صداقت و صفا در عرصه کسب‌وکار او را به کشورشان دعوت کنند، چندی در هند ماند و در کنار فعالیت‌های تجاری، هنرهایی آموخت که یکی از آن‌ها پختن انواع شیرینی بود، سرانجام سید با تلفیق تجربیات به درست کردن «گز» ویژه‌ای دست‌یافت که به‌زودی شهرت جهانی